

کیهان

امام صادق(ع) به دلیل اینکه از اهل بیت رسول خدا(ص) است و از اساتید مذاهب اربعه اهل سنت به شمار می‌آید، دانشمندان اهل سنت مطالبی را درباره او بیان داشته‌اند که درباره هیچ یکی از شخصیت‌های علمی خود نگفته‌اند. در مطلب حاضر به گوشه‌ای از این اظهارات می‌پردازیم.

اوصاف امام صادق(ع) در کتاب‌های اهل سنت
افزون بر ذکر فضائل اهل بیت، امام صادق(ع) با عناوین و عبارات بزرگ و پرمنطایی توصیف شده‌است، این اوصاف و عناوین، حاکی از جلالت و بزرگواری و علم و حسب است و به مقام فوق‌العاده معنوی و نبی از نیز دلالت دارد.
ابن عبدالبر در تعریف او چنین می‌گوید:
جعفر بن محمد بن علی بن ابی‌طالب(رضی‌الله عنهم) کنیه‌اش ابوعبدالله و مادرش فروه دختر قاسم پسر محمد بن ابی‌بکر صدیق است و او آن جعفری است که معروف به صادق است و او فقه، امین، عاقل، حکیم، بسیار با تقوا و صاحب فضلی بوده که مذهب جعفری منسوب به اوست.^(۱)

نووی دانشمند معروف اهل سنت است و را این‌گونه توصیف می‌کند:
او امام ابوعبدالله جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی‌طالب(رضی‌الله عنهم، هاشمی، مدنی و صادق است. محمد بن اسحاق و یحیی انصاری و مالک و ابن جریج و شعبه و یحیی القطان و دیگران از او نقل حدیث کرده‌اند و همگی اتفاق بر او امانت و جلالت و سیادت او دارند، عمرو بن ابی المقدام گفته است که هر گاه به جعفر بن محمد نظر می‌کردم، می‌دانستم که او از سلاله انبیاست.^(۲)

امام صادق(ع) استحکام روابط اجتماعی و ایجاد اعتماد و برادری بین افراد جامعه را در نفی ظلم و دروغ و وعده خلاف می‌داند و می‌فرماید: کسی که سه خصلت در او باشد چهار چیز نسبت به او بر مردم واجب می‌شود: در هنگام معاشرت با آنها بر آنان ظلم نکند و در هنگام سخن گفتن با آنها به آنان دروغ نگوید و در هنگام وعده دادن به آنها با آنان وعده خلافی نکند و در این صورت بر مردم است که عدل او را آشکار سازند و مروّت او را به کمال رسانند و برادری او بر آنان واجب می‌شود و عیبتش بر آنان حرام می‌گردد.

لا صدیک^(۳) به گفته ابونعیم، ابوعبدالله جعفر بن محمد صادق، امام ناطق بود و صاحب زمام ولایت بود که به عبادت و فرترتی رو آورده و عزلت و خشوع را اختیار کرده بود^(۴).

علم و فضل امام

فصل و علم امام صادق(ع) بر ارباب علم و دانش پوشیده نیست، این مطلب در کتاب‌های علمای کلام، تفسیر، انباه، حاشی، مناسی، منادی است.
ابن ابی‌طالب(رضی‌الله عنه)، هاشمی، مدنی و صادق است. محمد بن اسحاق و یحیی انصاری و مالک و ابن جریج و شعبه و یحیی القطان و دیگران از او نقل حدیث کرده‌اند و همگی اتفاق بر او امانت و جلالت و سیادت او دارند، عمرو بن ابی المقدام گفته است که هر گاه به جعفر بن محمد نظر می‌کردم، می‌دانستم که او از سلاله انبیاست.^(۲)

شیخ عطار در کتاب تذکره الاولیاء که در شرح حال عرفا و اولیاء نگاشته است از امام صادق(ع) آغاز می‌کند و می‌گوید:
ان سلطان ملت مصطفوی، ان برهان حجت نبوی، ان عامل صبیق، ان عالم تحقیق، ان میوه دل اولیاء، ان جگر گوشه انبیاء، ان ناقد علی، ان وارث نبی، ان عارف عاشق: جعفر الصادق (رضی‌الله عنه).
شیخ عطار می‌گوید:
ذکر انبیا و صحابه و اولیاء نیاز به کتاب جداگانه دارد، اما در این کتاب که شرح اولیاست به سبب تبرک، به صادق ابتداء می‌کنیم و سپس ادامه می‌دهد:
چون ذکر او کرده شود از آن همه بود نه بینی که قومی که مذهب او دارند، مذهب دوازده امام دارند، یعنی یکی دوازده است و دوازده می‌باشند، اگر تنها صفت او گویم، به زبان و کتبی است، این کتابی که در جمله علوم و اشارات و عبارات بی‌تکلف به کمال بود و قدوه جمله مشایخ بود و اعتماد همه بر وی بود و مقتدای مطلق بود، هم الهیان را شیخ بود و هم محدیان را مکرّم، هم صاحب تصنیف حقایق، هم در لطایف مروتی و اسرار انبیا و پیشرو و عجب دارم از آن قوم که ایشان خیال ببندد که اهل سنت و جماعت را با اهل بیت چیزی در راه است... و من آن نمی‌دانم که کسی در خیال باطل مانده است، آن می‌دانم که هر که به مذهب ایمان دارد و به فرزندانش ندارد به محمد ایمان ندارد، تا به حدی که شافعی در دوستی اهل بیت به حدی بوده است که به رفض نسبت کردند و محبوس کردند و او را در آن معنی شعری سروده است و یک بیت آن این است:

شبیه: امام جعفر صادق(ع) اگر عالم بوده پس چرا هیچ کتابی از ایشان به جامانده است؟
پاسخ: شناخت جایگاه و منزلت علمی که فرد در بستر تاریخ از طرق گوناگون امکان پذیر است. مراجعه به آثار علمی بر جای مانده یا گزارش شده از آن شخص، بررسی شاگردان وی و آثار آنها، بررسی نظر اندیشمندان و عالمان هم‌عصر می‌تواند علمی و آثار برجای مانده از ایشان می‌تواند بخشی از حقیقت علمی آن امام را ثابت کند.
سید محسن امین در کتاب اعیان الشیعه، ۲۴ اثر علمی را که به امام صادق(ع) نسبت داده شده است ذکر کرده است.^(۱)

برخی از این آثار عبارتند از:
۱- کتابی در توحید که به خاطر نام رایجتر آن نظام مفصل نام دارد.
۲- رساله آن حضرت خطاب به یارانش، کلینی این رساله را در آغاز روضه کافی به سند خود از اسماعیل بن جابر از امام صادق(ع) نقل کرده است، امام ابن رساله را برای اصحاب خود مرقوم داشتند و به این دستور داد که آن را به یکدیگر درس دهند و در آن نظر کنند و آن را فراموش نکنند و بدان عمل کنند.اصحاب نیز این رساله را در جایگاه عبادت خود در خانه‌هایشان گذارده بودند و چون از کار فراغ می‌یافتند آن می‌خواندند.

۳- نامه امام صادق(ع) به نجاشی والی اهواز افزون بر ذکر فضائل اهل بیت، امام صادق(ع) با عناوین و عبارات بزرگ و پرمنطایی توصیف شده‌است، این اوصاف و عناوین، حاکی از جلالت و بزرگواری و علم و حسب است و به مقام فوق‌العاده معنوی و نبی از نیز دلالت دارد.
ابن عبدالبر در تعریف او چنین می‌گوید:
جعفر بن محمد بن علی بن ابی‌طالب(رضی‌الله عنهم) کنیه‌اش ابوعبدالله و مادرش فروه دختر قاسم پسر محمد بن ابی‌بکر صدیق است و او آن جعفری است که معروف به صادق است و او فقه، امین، عاقل، حکیم، بسیار با تقوا و صاحب فضلی بوده که مذهب جعفری منسوب به اوست.^(۱)

نووی دانشمند معروف اهل سنت است و را این‌گونه توصیف می‌کند:
او امام ابوعبدالله جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی‌طالب(رضی‌الله عنهم، هاشمی، مدنی و صادق است. محمد بن اسحاق و یحیی انصاری و مالک و ابن جریج و شعبه و یحیی القطان و دیگران از او نقل حدیث کرده‌اند و همگی اتفاق بر او امانت و جلالت و سیادت او دارند، عمرو بن ابی المقدام گفته است که هر گاه به جعفر بن محمد نظر می‌کردم، می‌دانستم که او از سلاله انبیاست.^(۲)

معارف

MaarefKayhan@Kayhan.ir



تو را چه باك. از این که نزد مردم ناپسند باشی.

آن گاه که پیش خداوند. پسندیده ای.

جایگاه معنوی و علمی امام صادق (ع)نزد بزرگان اهل سنت

را سرمشق زندگی خود قرار دهد و از تاریکی‌های جهل و نادانی خود را رهایی داده و از لذت نور علم و هدایت بهرمند شود.

سخنان امام صادق(ع) شامل حوزه‌های اعتقادی، اخلاقی، عبادی، اجتماعی و علمی می‌شود، در این‌جا به چند نمونه از این سخنان و نصایحی که در کتاب‌های اهل سنت منعکس شده پسند می‌کنیم.

از جعفر بن محمد از کیفیت خدا پرسیده شد، در جواب گفت: «نور لا ظلمه فیه و علم لا جهل فیه و حیات لا موت فیه»؛ خدا نوری است که هیچ تاریکی‌ای در آن نیست و علمی است که جهلی در آن وجود ندارد و زندگی است که مرگی در آن نیست. امام صادق(ع) مردم را به جلب رضای خدا توصیه کرده و می‌گوید: مردم را با چیزی که خدا را به خشم می‌آورد راضی نکند و آنان را به خاطر چیزی که خدا به شما نداده است، نکوهش نکند و آنان را به خاطر رزقی که خداوند به آنان داده است، ستایش نکند، زیرا رزق و روزی چیزی است که به وسیله حرص حریص به دست نمی‌آید و به وسیله تنفر متغیر در نمی‌شود، اگر یکی از شما از رزق فرار

کسی که آبروی دیگران را بردارد، عیب‌های خانه‌اش آشکار شود و کسی که شمشیر سرکشی و تعدی و شورش را برکشد با همان شمشیر کشته خواهد شد و کسی که در جمع سفیهان لغزش دیگران را بزرگ می‌شمارد و کسی که لغزش دیگران را کوچک بشمارد لغزش خود را بزرگ می‌شمارد. پسرما!

کسی که آبروی دیگران را بردارد، عیب‌های خانه‌اش آشکار شود و کسی که شمشیر سرکشی و تعدی و شورش را برکشد با همان شمشیر کشته خواهد شد و کسی که در جمع سفیهان لغزش دیگران را بزرگ می‌شمارد و کسی که لغزش دیگران را کوچک بشمارد لغزش خود را بزرگ می‌شمارد. پسرما!

کسی که آبروی دیگران را بردارد، عیب‌های خانه‌اش آشکار شود و کسی که شمشیر سرکشی و تعدی و شورش را برکشد با همان شمشیر کشته خواهد شد و کسی که در جمع سفیهان لغزش دیگران را بزرگ می‌شمارد و کسی که لغزش دیگران را کوچک بشمارد لغزش خود را بزرگ می‌شمارد. پسرما!

کسی که آبروی دیگران را بردارد، عیب‌های خانه‌اش آشکار شود و کسی که شمشیر سرکشی و تعدی و شورش را برکشد با همان شمشیر کشته خواهد شد و کسی که در جمع سفیهان لغزش دیگران را بزرگ می‌شمارد و کسی که لغزش دیگران را کوچک بشمارد لغزش خود را بزرگ می‌شمارد. پسرما!

کسی که آبروی دیگران را بردارد، عیب‌های خانه‌اش آشکار شود و کسی که شمشیر سرکشی و تعدی و شورش را برکشد با همان شمشیر کشته خواهد شد و کسی که در جمع سفیهان لغزش دیگران را بزرگ می‌شمارد و کسی که لغزش دیگران را کوچک بشمارد لغزش خود را بزرگ می‌شمارد. پسرما!

کسی که آبروی دیگران را بردارد، عیب‌های خانه‌اش آشکار شود و کسی که شمشیر سرکشی و تعدی و شورش را برکشد با همان شمشیر کشته خواهد شد و کسی که در جمع سفیهان لغزش دیگران را بزرگ می‌شمارد و کسی که لغزش دیگران را کوچک بشمارد لغزش خود را بزرگ می‌شمارد. پسرما!

کسی که آبروی دیگران را بردارد، عیب‌های خانه‌اش آشکار شود و کسی که شمشیر سرکشی و تعدی و شورش را برکشد با همان شمشیر کشته خواهد شد و کسی که در جمع سفیهان لغزش دیگران را بزرگ می‌شمارد و کسی که لغزش دیگران را کوچک بشمارد لغزش خود را بزرگ می‌شمارد. پسرما!

کسی که آبروی دیگران را بردارد، عیب‌های خانه‌اش آشکار شود و کسی که شمشیر سرکشی و تعدی و شورش را برکشد با همان شمشیر کشته خواهد شد و کسی که در جمع سفیهان لغزش دیگران را بزرگ می‌شمارد و کسی که لغزش دیگران را کوچک بشمارد لغزش خود را بزرگ می‌شمارد. پسرما!

کسی که آبروی دیگران را بردارد، عیب‌های خانه‌اش آشکار شود و کسی که شمشیر سرکشی و تعدی و شورش را برکشد با همان شمشیر کشته خواهد شد و کسی که در جمع سفیهان لغزش دیگران را بزرگ می‌شمارد و کسی که لغزش دیگران را کوچک بشمارد لغزش خود را بزرگ می‌شمارد. پسرما!

کسی که آبروی دیگران را بردارد، عیب‌های خانه‌اش آشکار شود و کسی که شمشیر سرکشی و تعدی و شورش را برکشد با همان شمشیر کشته خواهد شد و کسی که در جمع سفیهان لغزش دیگران را بزرگ می‌شمارد و کسی که لغزش دیگران را کوچک بشمارد لغزش خود را بزرگ می‌شمارد. پسرما!

کسی که آبروی دیگران را بردارد، عیب‌های خانه‌اش آشکار شود و کسی که شمشیر سرکشی و تعدی و شورش را برکشد با همان شمشیر کشته خواهد شد و کسی که در جمع سفیهان لغزش دیگران را بزرگ می‌شمارد و کسی که لغزش دیگران را کوچک بشمارد لغزش خود را بزرگ می‌شمارد. پسرما!

کسی که آبروی دیگران را بردارد، عیب‌های خانه‌اش آشکار شود و کسی که شمشیر سرکشی و تعدی و شورش را برکشد با همان شمشیر کشته خواهد شد و کسی که در جمع سفیهان لغزش دیگران را بزرگ می‌شمارد و کسی که لغزش دیگران را کوچک بشمارد لغزش خود را بزرگ می‌شمارد. پسرما!

کسی که آبروی دیگران را بردارد، عیب‌های خانه‌اش آشکار شود و کسی که شمشیر سرکشی و تعدی و شورش را برکشد با همان شمشیر کشته خواهد شد و کسی که در جمع سفیهان لغزش دیگران را بزرگ می‌شمارد و کسی که لغزش دیگران را کوچک بشمارد لغزش خود را بزرگ می‌شمارد. پسرما!

صفحه ۷

سه‌شنبه ۲ اردیبهشت ۱۴۰۴

۲۳ شوال ۱۴۴۶ – شماره ۲۳۸۳۹



چراغ راه

اخلاص، شرط قبولی اعمال
قال الامام الصادق(ع) قال الله تبارک و تعالی: «اذا خیر شریک، من اشرك معی غیری فی عمل عمل له اقبله الا ما کان لی خالصا».

امام صادق(ع) فرمود: خدای متعال در حدیث قدسی فرمودند: بهترین شریک هستم، هرکس در عمل خود برای من شریک بیابد هرگز آن نمی‌پذیرد(و همه را به شریکم واگذار می‌کنم) مگر اینکه آن عمل خالص برای من باشد.



۱- الکافی، ج ۲، ص ۲۹۵

حکایت خواب

لزوم عمل به قرآن
به عنوان استوارترین راه‌ها
امام حسن(ع) در رهنمودی قرآنی می‌فرماید: تنها چیزی که در این دنیای فانی باقی می‌ماند قرآن است. پس قرآن را پیشوا و امام خود قرار دهید، تا به راه راست مستقیم هدایت شوید. همان‌حق‌ترین مردم به قرآن کسانی هستند که به یاد عمل کنند، اگر چه آن را حفظ نکرده باشند، و دورترین افراد از قرآن کسانی هستند که به دستورات آن عمل نکنند، گرچه قاری و خواننده باشند.^(۱) همچنین آن حضرت می‌فرماید: ای مردم! هرکس برای خدا اخلاص ورزد و سخن را در اهتمام خود قرار دهد، به راهی که درست‌تر و استوارتر است هدایت می‌شود و خداوند او را برای آگاهی و هوشتیاری توفیق داده و به عاقبت خوش کمک کرده است.^(۲)

۱- ارشادالقولوب، دیلمی، ص ۱۰۲
۲- تحف‌العقول، ص ۲۲۹

پرسش و پاسخ

امکان پیشی گرفتن کفار در عمل به قرآن
پرسش: آیا کسانی که اساساً به قرآن کریم اعتقادی ندارند، امکان دارد که در حیطه رفتاری از مسلمانانی که مدعی هستند قرآن و اهل‌بیت(ع) الگوی هدایت و رمز سعادت‌مندی دنیا و آخرت‌اند است، در عمل به قرآن پیشی بگیرند و به آموزه‌های وحیانی قرآن بهتر عمل کنند؟

پاسخ:
امام علی(ع) در آخرین لحظات عمر مبارک‌ست خود در قالب وصیتی به امام حسن(ع) و امام حسین(ع) فرمودند: خدا! خدا! درباره قرآن! مبدا دیگران (کفار) در عمل به دستورات قرآن را شما پیشی گیرید! «الله‌الله فی القرآن ایستقمکم بالعمل به غیرکم»(پیچ‌لباغنه-۲۴۷)

امام علی(ع) در آخرین لحظات عمر مبارک‌ست خود در قالب وصیتی به امام حسن(ع) و امام حسین(ع) فرمودند: خدا! خدا! درباره قرآن! مبدا دیگران (کفار) در عمل به دستورات قرآن را شما پیشی گیرید! «الله‌الله فی القرآن ایستقمکم بالعمل به غیرکم»(پیچ‌لباغنه-۲۴۷)

امام علی(ع) در آخرین لحظات عمر مبارک‌ست خود در قالب وصیتی به امام حسن(ع) و امام حسین(ع) فرمودند: خدا! خدا! درباره قرآن! مبدا دیگران (کفار) در عمل به دستورات قرآن را شما پیشی گیرید! «الله‌الله فی القرآن ایستقمکم بالعمل به غیرکم»(پیچ‌لباغنه-۲۴۷)

امام علی(ع) در آخرین لحظات عمر مبارک‌ست خود در قالب وصیتی به امام حسن(ع) و امام حسین(ع) فرمودند: خدا! خدا! درباره قرآن! مبدا دیگران (کفار) در عمل به دستورات قرآن را شما پیشی گیرید! «الله‌الله فی القرآن ایستقمکم بالعمل به غیرکم»(پیچ‌لباغنه-۲۴۷)

امام علی(ع) در آخرین لحظات عمر مبارک‌ست خود در قالب وصیتی به امام حسن(ع) و امام حسین(ع) فرمودند: خدا! خدا! درباره قرآن! مبدا دیگران (کفار) در عمل به دستورات قرآن را شما پیشی گیرید! «الله‌الله فی القرآن ایستقمکم بالعمل به غیرکم»(پیچ‌لباغنه-۲۴۷)

امام علی(ع) در آخرین لحظات عمر مبارک‌ست خود در قالب وصیتی به امام حسن(ع) و امام حسین(ع) فرمودند: خدا! خدا! درباره قرآن! مبدا دیگران (کفار) در عمل به دستورات قرآن را شما پیشی گیرید! «الله‌الله فی القرآن ایستقمکم بالعمل به غیرکم»(پیچ‌لباغنه-۲۴۷)

امام علی(ع) در آخرین لحظات عمر مبارک‌ست خود در قالب وصیتی به امام حسن(ع) و امام حسین(ع) فرمودند: خدا! خدا! درباره قرآن! مبدا دیگران (کفار) در عمل به دستورات قرآن را شما پیشی گیرید! «الله‌الله فی القرآن ایستقمکم بالعمل به غیرکم»(پیچ‌لباغنه-۲۴۷)

امام علی(ع) در آخرین لحظات عمر مبارک‌ست خود در قالب وصیتی به امام حسن(ع) و امام حسین(ع) فرمودند: خدا! خدا! درباره قرآن! مبدا دیگران (کفار) در عمل به دستورات قرآن را شما پیشی گیرید! «الله‌الله فی القرآن ایستقمکم بالعمل به غیرکم»(پیچ‌لباغنه-۲۴۷)

امام علی(ع) در آخرین لحظات عمر مبارک‌ست خود در قالب وصیتی به امام حسن(ع) و امام حسین(ع) فرمودند: خدا! خدا! درباره قرآن! مبدا دیگران (کفار) در عمل به دستورات قرآن را شما پیشی گیرید! «الله‌الله فی القرآن ایستقمکم بالعمل به غیرکم»(پیچ‌لباغنه-۲۴۷)

۱- پدیده نفاق از دیدگاه شهید مطهری(ره)، سخنرانی استاد در سال ۱۳۵۰ در مسجد الجواد.

خدا را از سوره‌های آن برشمرده است که مجالی برای ذکر آنها در این مقاله نیست.

سخنان و نصایح امام صادق(ع)

آن حضرت مانند اجداد طاهر بنش تمام عمرش را در راه ارشاد و رستگاری امت اسلامی و بالا بردن سطح علمی جامعه‌ بشری سپری کرد و به این اعماها پیخوند حتماً ده‌هاش به اجابت می‌رسد، زیرا بخواند به دعاکننده‌ها فرموده است: «يَا اَصْبَحْ عَمَلٌ غَامِلٌ مِنْكُمْ»؛ یعنی ثواب عمل کسی را که در طاعت من آن را انجام داده است باطل نمی‌کنم، حالا می‌خواهد این کس مرد باشد یا زن^(۱).
سمنانی از آن حضرت به این‌ها مرانده است، امروز این میراث ارزشمند اسلامی مایه افتخار مسلمانان در جهان است و نه‌تنها مسلمانان بلکه همه بشریت می‌تواند گفتار و کردار این امام مسلمانان

خدا را از سوره‌های آن برشمرده است که مجالی برای ذکر آنها در این مقاله نیست.

خدا را از سوره‌های آن برشمرده است که مجالی برای ذکر آنها در این مقاله نیست.

خدا را از سوره‌های آن برشمرده است که مجالی برای ذکر آنها در این مقاله نیست.

خدا را از سوره‌های آن برشمرده است که مجالی برای ذکر آنها در این مقاله نیست.

خدا را از سوره‌های آن برشمرده است که مجالی برای ذکر آنها در این مقاله نیست.

خدا را از سوره‌های آن برشمرده است که مجالی برای ذکر آنها در این مقاله نیست.

خدا را از سوره‌های آن برشمرده است که مجالی برای ذکر آنها در این مقاله نیست.

خدا را از سوره‌های آن برشمرده است که مجالی برای ذکر آنها در این مقاله نیست.

خدا را از سوره‌های آن برشمرده است که مجالی برای ذکر آنها در این مقاله نیست.

خدا را از سوره‌های آن برشمرده است که مجالی برای ذکر آنها در این مقاله نیست.

خدا را از سوره‌های آن برشمرده است که مجالی برای ذکر آنها در این مقاله نیست.

خدا را از سوره‌های آن برشمرده است که مجالی برای ذکر آنها در این مقاله نیست.

خدا را از سوره‌های آن برشمرده است که مجالی برای ذکر آنها در این مقاله نیست.

خدا را از سوره‌های آن برشمرده است که مجالی برای ذکر آنها در این مقاله نیست.

خدا را از سوره‌های آن برشمرده است که مجالی برای ذکر آنها در این مقاله نیست.